شکست ترامپ در جنگ ایران از میدان نبرد تا آینده سیاست امریکا



علی‌حسن حیدری
کارشناس سیاسی

جنگ‌ها در میدان نظامی آغاز می‌شوند، اما سرنوشت آن‌ها الزاماً در این میدان تعیین نمی‌شود. گاهی مهم‌ترین پیامد یک جنگ زمانی آشکار می‌شود که سلاح‌ها خاموش شده‌اند و جامعه آغازکننده جنگ، هزینه‌ها و دستاوردهای آن را در ترازوی سیاست داخلی قرار می‌دهد. جنگ امریکا با ایران اسلامی هم تا این جای کار، یک ناکامی در سیاست خارجی امریکا محسوب می‌شود و به نقطه عطفی در سیاست داخلی و حتی در تعریف آینده قدرت این کشور تبدیل شده است. ترامپ تاکنون باوجود تلاش در ارائه روایت پیروزی از ارتش ورشکسته امریکا نتوانسته است جنگ را به سرمایه سیاسی و اجتماعی تبدیل بکند. از این رو، جنگ به جای سرمایه، تبدیل بدهی سیاسی به افکارعمومی و احزاب امریکا شده است. نشانه‌های این تغییر در فضای انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ به عنوان نخستین حلقه این زنجیره نمایان شده است.

از این رو، شکاف میان ترامپ و بخشی از حزب جمهوری‌خواه بر سر جنگ پرهزینه بی‌نتیجه، از یک اختلاف تاکتیکی به اختلاف بر سر آینده حزب تبدیل گردیده است. به همین دلیل، آن‌ها در حوزه‌های رقابتی ناچارند میان دو گروه انتخاب کنند: پایگاه وفادار ترامپ و رأی‌دهندگان مستقل و میانه‌ای که ممکن است از ادامه جنگ و پیامدهای اقتصادی آن ناراضی باشند. فاصله‌گذاری محتاطانه‌ای که اکنون در میان برخی نامزدها دیده می‌شود، می‌تواند مقدمه بازتعریف رابطه حزب با ترامپ باشد. اما پیامدها به انتخابات ۲۰۲۶ محدود نمی‌شود. اگر جنگ بدون تحقق اهداف اعلام‌شده پایان یابد، یک سؤال اساسی برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ شکل خواهد گرفت: آیا سیاست خارجی ترامپ باید ادامه پیدا کند یا جمهوری‌خواهان باید میان «اول امریکا» و مداخله نظامی پرهزینه تعادل تازه‌ای برقرار کنند؟ این پرسش می‌تواند حتی آینده جانشینی ترامپ در حزب جمهوری‌خواه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. جنگ، در این صورت، فقط عملکرد یک رئیس‌جمهور را ارزیابی نمی‌کند بلکه یک مکتب سیاست خارجی را نیز به آزمون می‌گذارد و پیامد آن در سطح ساختار قدرت امریکا ظاهر شود. ادامه جنگ منازعه دیرینه بر سر اختیارات رئیس‌جمهور در استفاده از نیروی نظامی را تشدید خواهد کرد، و مطالبه کنگره برای نظارت بیشتر نیز افزایش خواهد یافت. در نتیجه، پرونده ایران می‌تواند به آزمونی برای توازن قوا میان کاخ سفید و کنگره تبدیل شود. از این رو، جنگ به جای سرمایه، تبدیل بدهی سیاسی به افکارعمومی و احزاب امریکا شده است. نشانه‌های این تغییر در فضای انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ به عنوان نخستین حلقه این زنجیره نمایان شده است.

از این رو، شکاف میان ترامپ و بخشی از حزب جمهوری‌خواه بر سر جنگ پرهزینه بی‌نتیجه، از یک اختلاف تاکتیکی به اختلاف بر سر آینده حزب تبدیل گردیده است. به همین دلیل، آن‌ها در حوزه‌های رقابتی ناچارند میان دو گروه انتخاب کنند: پایگاه وفادار ترامپ و رأی‌دهندگان مستقل و میانه‌ای که ممکن است از ادامه جنگ و پیامدهای اقتصادی آن ناراضی باشند. فاصله‌گذاری محتاطانه‌ای که اکنون در میان برخی نامزدها دیده می‌شود، می‌تواند مقدمه بازتعریف رابطه حزب با ترامپ باشد. اما پیامدها به انتخابات ۲۰۲۶ محدود نمی‌شود. اگر جنگ بدون تحقق اهداف اعلام‌شده پایان یابد، یک سؤال اساسی برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ شکل خواهد گرفت: آیا سیاست خارجی ترامپ باید ادامه پیدا کند یا جمهوری‌خواهان باید میان «اول امریکا» و مداخله نظامی پرهزینه تعادل تازه‌ای برقرار کنند؟ این پرسش می‌تواند حتی آینده جانشینی ترامپ در حزب جمهوری‌خواه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. جنگ، در این صورت، فقط عملکرد یک رئیس‌جمهور را ارزیابی نمی‌کند بلکه یک مکتب سیاست خارجی را نیز به آزمون می‌گذارد و پیامد آن در سطح ساختار قدرت امریکا ظاهر شود. ادامه جنگ منازعه دیرینه بر سر اختیارات رئیس‌جمهور در استفاده از نیروی نظامی را تشدید خواهد کرد، و مطالبه کنگره برای نظارت بیشتر نیز افزایش خواهد یافت. در نتیجه، پرونده ایران می‌تواند به آزمونی برای توازن قوا میان کاخ سفید و کنگره تبدیل شود. از این منظر، جنگ ایران برای امریکا سه انتخابات را به هم پیوند خواهد زد: انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶، رقابت‌های درون‌حزبی برای تعیین میراث ترامپ و نهایتاً انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸. در هر سه مرحله، یک سؤال تکرار خواهد شد که آیا امریکا از جنگ چیزی به دست آورده که هزینه آن را توجیه کند؟

و این همان نقطه‌ای است که اهمیت جنگ ایران فراتر از ایران و ترامپ می‌رود. شکست در جنگ، زمانی برای امریکا به شکست راهبردی تبدیل می‌شود که این تصور را در داخل کشور ایجاد کند که قدرت نظامی، بدون دستیابی به نتیجه سیاسی، نه ابزار حل مسئله بلکه تولیدکننده مسئله راهبردی جدید است. اگر چنین تصوری شکل بگیرد، اثر واقعی جنگ ممکن است سال‌ها بعد، در تغییر رویکرد امریکا به جنگ‌های آینده، در بازتعریف رابطه کاخ سفید و کنگره و در انتخاب رئیس‌جمهور بعدی امریکا آشکار شود.

نشانه‌های این مسئله از هم‌اکنون در فضای سیاسی امریکا دیده می‌شود. نظرسنجی‌های اخیر از کاهش حمایت عمومی از نحوه مدیریت ترامپ در قبال ایران حکایت دارد. بنابراین، نخستین پیامد، انتقال جنگ از خاورمیانه به سیاست داخلی امریکا است. انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ می‌تواند نخستین محک این انتقال باشد. اگر جمهوری‌خواهان در نتیجه نارضایتی از جنگ، اقتصاد و هزینه‌های زندگی بخشی از موقعیت خود را در کنگره از دست بدهند، مسئله فقط تعداد کرسی‌ها نخواهد بود. معنای سیاسی آن این خواهد بود که سیاست خارجی رئیس‌جمهور می‌تواند برای حزب او هزینه انتخاباتی بلند مدت ایجاد کند. پیامد دیگر آغاز بازنگری حزب جمهوری‌خواه در میراث ترامپ است. و نامزدهای جمهوری‌خواه ناچار خواهند شد علیه میراث ترامپ شوم موضع بگیرند.

تقویت نقش کنگره در سیاست جنگ و صلح نیز از پیامدهای این شکست خواهد بود. هرچه هزینه جنگ افزایش یابد، سؤال درباره حدود اختیارات رئیس‌جمهور برای آغاز و ادامه عملیات نظامی جدی‌تر خواهد شد. با تبدیل جنگ ایران به یک تجربه پرهزینه، احتمالاً بحث درباره نظارت کنگره، تأمین مالی جنگ و حدود اختیارات اجرایی دوباره به مرکز مناقشه سیاسی امریکا بازخواهد گشت.

و در بعد منطقه‌ای تغییر محاسبات امریکا درباره مداخله نظامی در خاورمیانه از تأثیرات ناکامی در جنگ است. یعنی رؤسای جمهور آینده هنگام تصمیم‌گیری درباره جنگ‌های جدید ناچار خواهند بود هزینه‌های آن را دقیق‌تر محاسبه کنند. اگرچه این به معنای پایان مداخله‌گری امریکا نیست، می‌تواند آستانه تصمیم برای ورود به یک جنگ بزرگ را افزایش دهد. از طرفی شکست در جنگ، این پرسش مهمی را در پایتخت‌های منطقه ایجاد خواهد کرد که آیا امریکا در لحظه بحران تا پایان کنار متحدان خود می‌ایستد یا زمانی که هزینه‌ها افزایش یابد، راه دیگری را انتخاب می‌کند؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند بر رفتار کشورهای منطقه، میزان اتکای آنان به امریکا و حتی تلاش برخی بازیگران برای متنوع‌کردن روابط خارجی خود اثر بگذارد. از سوی دیگر، ایران نیز از این تجربه برای محاسبات آینده در ابعاد مختلف استفاده خواهد کرد. و گرایش در میان متحدان امریکا به قدرت‌های بزرگ دیگر مانند چین و روسیه و حتی ایران را نیز تقویت خواهد کرد.

خبر آخر

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح:

شاخص‌های امنیتی کشور ارتقا یافته است

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه شاخص‌های امنیتی کشور نسبت به گذشته بهبود یافته است، گفت: این موضوع نشان می‌دهد که همکاران ما در فراجا به‌خوبی به مأموریت‌های خود عمل کرده‌اند.

به گزارش فارس، سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، با اشاره به ایستادگی فرماندهی انتظامی کشور در برابر حملات دشمن اظهار کرد: در بیش از یک سال گذشته و در جریان جنگ‌هایی که پشت سر گذاشتیم، فراجا از جمله بخش‌هایی بود که مورد غضب دشمنان قرار گرفت و مراکز متعددی از فرماندهی انتظامی کشور هدف حمله قرار گرفتند و تعدادی از نیروهای عزیز ما به شهادت رسیدند. با وجود این حملات، فراجا محکم و استوار ایستاده است و امنیت حاکم بر شرایط کنونی کشور، نشانه‌ای از استواری و ایستادگی نیروهای فرماندهی انتظامی است که شایسته قدردانی و تشکر است. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه شاخص‌های امنیتی کشور نسبت به گذشته بهبود یافته است، تصریح کرد: این موضوع نشان می‌دهد که همکاران ما در فراجا به‌خوبی به مأموریت‌های خود عمل کرده‌اند و هم مردم همکاری خوبی داشته‌اند؛ از این رو، باید از مردم عزیز کشورمان نیز قدردانی کنیم.

گزارش یک

فاطمه بصیری

وقتی همکاری هسته‌ای ایران مانع جنگ نشد

خروج از ان‌پی‌تی مطالبه‌ای در پاسخ به ناکامی تعهدات



درخواست‌های داخلی برای تعلیق یا خروج از ان‌پی‌تی یا پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پس از جنگ و به مراتب رفتار باج‌خواهانه آژانس بین‌المللی اتمی در حال افزایش است. هم‌زمان با اعلام خبر تقدیم طرح سه‌فوریتی به هیئت‌رئیسه مجلس برای خروج از ان‌پی‌تی، خطیب نماز جمعه تهران نیز ضرورت خارج شدن از این پیمان را بیان کرد: «توقع مردم، تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای ایران است. از ان‌پی‌تی خارج شویم به غرب می‌گویم هسته‌ای ما به شما ربطی ندارد.»

چندی پیش محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در هشداری قاطع به واشینگتن گفت: «اگر وارد خلیج فارس شوید، اولاً پاسخی سخت، دردناک و کم‌نظیر خواهیم داد و محاصره دریایی را می‌شکنیم. اما مهم‌تر از آن، ممکن است از ان‌پی‌تی خارج شویم؛ می‌دانید اگر خارج شویم چه بلایی بر سر شما می‌آید؟» پیش از این نیز بسیاری از مقامات و صاحب‌نظران از ضرورت خروج یا تعلیق از ان‌پی‌تی سخن گفته بودند. شهید علی لاریجانی بعد از جنگ ۱۲ روزه با تأکید بر عدم نیت حل مسئله در آژانس و ناکارآمدی این معاهده از احتمال خروج از آن خبر داده بود: «با وجود اینکه ایران به دنبال بمب اتم نیست، واقعیت این است که ان‌پی‌تی هیچ خاصیتی برای ما نداشته است» شهید خرازی، مشاور رهبر شهید انقلاب نیز در سخنانی با تأکید بر تغییر دکترین هسته‌ای ایران در برابر تهدید موجودیتی، به طور تلویحی به خروج از ان‌پی‌تی اشاره کرد.

■ بازدارندگی پوچ با وجود همکاری با آژانس

از دلایل اصلی مطرح‌شده برای خروج از ان‌پی‌تی، عدم تعهد این سازمان و بی‌تأثیر بودن همکاری با آن در برابر بهانه‌سازی‌ها و تهدیدات امریکاست. حتی آژانس نیز سهم مهمی در شکل‌گیری زمینه‌های جنگ داشته است. این موضوع نشان می‌دهد که پذیرش هرچه بیشتر درخواست‌های این سازمان، نه‌تنها به کاهش تهدیدات علیه ایران منجر نشده است بلکه در سایه تشدید تهدیدات، درخواست‌های حداکثری آژانس را نیز در راستای ادعای جعلی تهدیدآمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران افزایش داده است. در واقع، همکاری داوطلبانه، پادمانی و فراپادمانی ایران با آژانس، از اجرای پروتکل الحاقی تا پذیرش بازرسی‌های فراتر از تعهدات، امنیت و منافع ملی را تأمین نکرده است و فراتر از آن، به ابزاری برای فشار و پیشروی سیاسی علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران تبدیل شد.

رفتار مغرضانه و هدفمند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ابتدای عضویت ایران در ان‌پی‌تی تاکنون، در برابر انعطاف و ابراز حسن‌نیت ایران، جز افزایش درخواست‌های زیاده‌خواهانه این سازمان و عبور از خطوط قرمز نبوده است. در واقع، ایران با پذیرش درخواست‌های آژانس برای افزایش بازرسی‌ها، آن هم در پی طرح بهانه‌های واهی، به‌جای رفع مناقشات و پایان دادن به بهانه‌ها، با بهانه‌ای بزرگ‌تر و درخواستی گستاخانه‌تر مواجه شده است. حتی آژانس در مقاطعی در گزارش‌های خود اقرار کرد شواهدی مبنی بر انحراف برنامه هسته‌ای ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای پیدا نکرده است، اما تحت تأثیر فشارهای سیاسی امریکا و رژیم اسرائیل، با طرح ادعاها و مطالبات جدید، با چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای، موضع خود را انکار کرد.

■ آژانس ابزار فشار غرب بر ایران

این روند نشان می‌دهد که آژانس، در نحوه مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران، به‌عنوان نهادی مستقل با مشی اصول‌مند و قانونی عمل نکرده بلکه به ابزار غربی برای مداخله، جاسوسی، سنگ‌اندازی و نابودی توان صلح‌آمیز هسته‌ای تبدیل شده است. در واقع، امریکا از ظرفیت این نهاد برای کنترل و نظارت حداکثری فعالیت‌های هسته‌ای ایران بهره می‌گیرد. در مجموع، همکاری با آژانس نه‌تنها به تأمین منافع و امنیت ملی کشور و رفع بهانه‌های سیاسی منجر نشده بلکه به تشدید فشارهای سیاسی، تحریم‌ها و محدودیت‌های صنعت هسته‌ای ایران منجر شده است. بر این اساس، تداوم همکاری بدون برخورداری از تضمین‌های مؤثر در برابر تهدیدات و فشارهای سیاسی، این پرسش را مطرح می‌کند که عضویت در ان‌پی‌تی و همکاری با آژانس تا چه اندازه توانسته است کارکرد مورد انتظار خود را در تأمین امنیت و منافع ملی ایران ایفا کند.

مجلس شورای اسلامی البته برای ایجاد بازدارندگی در مقابل آژانس و امریکا مکانیسم‌های خود را به کار گرفته است. در حال حاضر، مجلس طرح سه‌فوریتی خروج از ان‌پی‌تی را در دست بررسی قرار دارد. به گفته حاجی دلیکانی، نایب رئیس کمیسیون اصل نود مجلس، هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی باید طرح مذکور را که به امضای شماری از نمایندگان رسیده است، بپذیرد و مقدمات لازم برای قرار گرفتن آن در دستور کار و بررسی در مجلس را فراهم کند. پیش‌تر، از زمان حملات هوایی امریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران در خرداد سال گذشته طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر الزام دولت به تعلیق همکاری‌های داوطلبانه با آژانس، دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات هسته‌ای به حالت تعلیق درآمده است.

■ نقش برجسته آژانس در ایجاد ترتیبات جنگ

بنابر آنچه گفته شد، نه تنها همکاری با آژانس بازدارنده نبوده که حتی مقدمات جنگ را نیز فراهم کرده است. از دلایل و بهانه‌های حملات امریکا به تأسیسات اتمی، تقویت گزاره تهدیدآمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود که بخشی از آن در آژانس بین‌المللی ایجاد شد. می‌توان گفت که آژانس بین‌المللی اتمی بازوی سیاسی امریکا در جنگ علیه ایران بود. در همین راستا، بعد از جنگ نیز آژانس نه‌تنها این حملات را حتی به صورت نمادین و لفظی محکوم نکرد بلکه هیچ اقدامی را در جهت حمایت از ایران آسیب‌دیده در پی حملات غیرقانونی به تأسیسات هسته‌ای، طبق وظایف خود انجام نداد. این مواضع مغرضانه و هدفمند آژانس در حالی بود که هرگونه حمله مسلحانه یا تهدید علیه تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای، نقض اصول منشور سازمان ملل متحد، حقوق بین‌الملل و اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. آژانس حتی در حال حاضر هم با نادیده گرفتن تهدیدات علیه تأسیسات هسته‌ای و تهدید حمله اتمی به ایران از سوی مقامات امریکایی و شخص ترامپ، به آن‌ها مشروعیت می‌دهد. همان‌طور که گروسی قبلاً تهدید کرده بود که تأسیسات ایران فقط با بمب اتم نابودشدنی هستند.

حمایت از حملات امریکا تنها اقدام آژانس در جنگ نبود. پس از جنگ، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحت فشار امریکا و برخی کشورهای اروپایی با تصویب قطعنامه‌ای ضد ایرانی، پرونده هسته‌ای ایران را پس از ۲۰ سال تحت فشار امریکا به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داد. این اقدامات نشان می‌دهد که همکاری یک‌طرفه ایران با آژانس، نه امنیت و منافع ملی را تأمین کرده و نه به رفع تحریم‌ها منجر شده بلکه به ابزاری برای فشار، مداخله و تهدید علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران تبدیل شده است.

■ زیاده‌خواهی‌های آژانس تمامی ندارد

یکی دیگر از دلایل خروج از ان‌پی‌تی، زیاده‌خواهی‌های غیرمنطقی و جدید آژانس با لحنی تهدیدآمیز پس از جنگ است. اکنون ایران هزینه‌های غیرقانونی حملات امریکا را متحمل شده و آژانس باید حامی ایران باشد، اما این سازمان گستاخانه درخواست بازرسی از مراکز بمباران‌شده را دارد که به گفته نمایندگان مجلس غیرقانونی و نشدنی است. این درخواست نامعقولانه تردیدهای زیادی را در مورد انگیزه‌های سوء این سازمان غربی برانگیخته است. گمان می‌رود پس از جنگ، ارزیابی و جمع‌آوری اطلاعات محل اختفای اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد برای تسهیل حملات آتی به مراکز اتمی و اعلام پیروزی از سوی ترامپ، جزو اهداف اصلی آژانس قرار گرفته است. به‌ویژه پس از آنکه ایران باقی‌مانده غنی‌سازی ۶۰ درصد را در مذاکرات به امریکا، به‌رغم فشارهای ترامپ، تسلیم نکرد و همچنان آن را در اختیار دارد. قرین بودن این دو درخواست نیز هم‌پوشانی اهدافشان در نابودی توان هسته‌ای را اثبات می‌کند.

گزارش ۲

مقامات ایران به تحریف‌های وزیر خارجه امریکا پاسخ دادند

خشایارستیزی روبی کوچولو

■ ادامه از صفحه یک

اظهارات مارکو روبیو، وزیر امور خارجه امریکا، درباره تاریخ و تمدن ایران، با واکنش صریح مقام‌های سیاسی، امنیتی و دولتی جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شد؛ واکنش‌هایی که ضمن رد روایت یک‌سویه و تحریف‌شده او از جنگ‌های ایران و یونان باستان، بر پیشینه تاریخی ایران، تناقض در معیارهای غرب درباره مفهوم مقاومت و ناتوانی روایت‌سازی سیاسی در تغییر واقعیت‌های تاریخی تأکید دارند. در این میان، یادآوری سرنوشت والرین، امپراتور روم که در دوران شاپور اول ساسانی به اسارت ایرانیان درآمد، به نمادی از پاسخ تاریخی تهران به ادبیات تهدیدآمیز واشینگتن تبدیل شد، نمادی که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، در واکنش‌های خود به آن اشاره کردند.

هم‌زمان با ادامه این واکنش‌ها، یک مقام ارشد امنیتی هم با اشاره به تجربه رفتارهای متناقض امریکا و تهدیدهای اخیر علیه کشور، از آمادگی کامل ایران برای پاسخ گسترده و قاطع به هرگونه حمله خبر داد و تأکید کرد که در صورت تکرار تجاوز، تهران دلیلی برای محدودنگه‌داشتن دامنه جغرافیایی یا موضوعی میدان نبرد نخواهد داشت. مجموعه این مواضع، دو پیام محوری را دنبال می‌کند: نخست، مخالفت با بهره‌برداری سیاسی از تاریخ و معیارهای دوگانه در ارزیابی مقاومت ملت‌ها و دوم، تأکید بر آمادگی دفاعی ایران در برابر هرگونه اقدام نظامی. مقام‌های ایرانی به روبیو یادآوری کردند که تاریخ ایران را نمی‌توان صرفاً بر اساس روایت مطلوب سیاستمداران امریکایی بازخوانی کرد و تهدیدهای واشنگتن نیز تغییری در محاسبات دفاعی تهران ایجاد نخواهد کرد.

مارکو روبیو چند روز پیش در سخنرانی خود در آکروپولیس آتن، با اشاره به جنگ‌های ایران و یونان باستان، روایتی از حمله سپاه خشایارشا به آتن ارائه کرد که با واکنش مقام‌های ایرانی همراه شد. وزیر امور خارجه امریکا در این سخنرانی مدعی شد: «۴۸۰ سال پیش از میلاد مسیح، ارتش‌های خشایارشا وارد این شهر شدند و معابد و زیارتگاه‌های آن را به آتش کشیدند.» او در ادامه روایت خود از مقاومت آتنی‌ها گفت که اغلب ساکنان آتن با کشتی به جزیره‌ای در نزدیکی شهر پناه برده بودند، اما گروهی از آنان در دژ صخره‌ای آکروپولیس باقی ماندند و برای مقابله با مهاجمان جنگیدند. آنها در دژ صخره‌ای آکروپولیس سنگر گرفتند تا در یک مقاومت آخر خارق‌العاده بجنگند؛ سنگ‌های غول‌پیکر را از صخره‌ها بر سر مهاجمان پارسی فرو ریختند و بزرگ‌ترین امپراتوری آن عصر را روزها متوقف کردند.»

■ بار دیگر مقابل ایرانیان زانو خواهید زد

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی اما در واکنش به اظهارات روبیو، وزیر امور خارجه امریکا، درباره تمدن ایران، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «در طول تاریخ، ما ایرانیان با کسانی روبه‌رو شده‌ایم که خود را سروران جهان اعلام کردند و کوشیدند تمدن‌های کهن را از صفحه روزگار محو کنند. آنان با آتش و شعله آمدند، اما با گرد و خاک و خواری رفتند. کسانی که به دنبال میراث اسکندر هستند، سرنوشت والرین را خواهند داشت؛ زانو خواهید زد.»

■ برای تکرار شکست‌های تاریخی آماده باشید

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، نیز در واکنش به اظهارات روبیو، با اشاره به شکست تاریخی امپراتوری روم در برابر ایران ساسانی، در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «وقتی پس از شکست و تحقیر در برابر ایران، به آتن می‌روند تا روایتی از جنگ تمدنی را شکل دهند، بهتر است بخش مهم دیگری از تاریخ را هم بخوانند؛ جایی که امپراتور روم، در برابر شاپور اول ساسانی زانو زد. کسی که پای تاریخ را به میان می‌کشد، باید برای تکرارش هم آماده باشد!»

■ تحقیر مقاومت برای دیگری، تمدن نیست

علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل، نیز در حساب کاربری خود در فضای مجازی، اظهارات روبیو را متناقض دانست و نوشت: «در سخنرانی اخیر روبیو یک تناقض آشکار هست. ایستادگی تا آخرین نفر در یونان باستان ستایش می‌شود، اما ایستادگی ملت بزرگ ایران با برچسب فرقه مرگ تحقیر می‌شود.» او در ادامه تأکید کرد: «ستایش مقاومت برای خودی و تحقیر آن برای دیگری تمدن نیست، فلسفه‌بافی برای سلطه است آقای روبیو! مشکل شما با انقلاب اسلامی نیست. با تمدن ایران قوی و مستقل است.» مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل همچنین با اشاره به عملکرد امریکا در جنگ‌های معاصر، در انتقاد از مواضع وزیر امور خارجه این کشور نوشت: «آنان که فاجعه‌های هیروشیما، ویتنام، عراق و افغانستان را به وجود آوردند، حق ندارند درس اخلاق بدهند!»

■ مشکل امریکا با ایران و ایرانی است

ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، نیز در واکنش به اظهارات روبیو درباره تمدن ایران، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «کشوری که شروع تاریخش با قتل‌عام بومیان بوده و لحظه‌ای از استعمار و خون‌ریزی دست نکشیده، هخامنشیان را که نخستین بیانیه حقوق بشر دنیا را نوشته‌اند، به جنایت متهم می‌کنند! ذات خبیثتان مشکل با ایران و ایرانی است...» عزیزی در این موضع‌گیری، با اشاره به تاریخ شکل‌گیری ایالات متحده و سابقه استعمار و جنگ‌های این کشور، به اتهام‌های مطرح‌شده علیه تمدن ایران پاسخ داد. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، نیز در واکنش به ادعاهای وزیر امور خارجه امریکا درباره تمدن ایرانیان، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ایران، نام بلند تمدنی است که با خرد، فرهنگ و مدارای مردمانش از فراز هزاران سال عبور کرده است. نه تحریف تاریخ می‌تواند از شکوه این ملت بکاهد و نه ترورهای کور، قامت این سرزمین را خم کند. ایران به پشتوانه فرهنگ و ملتش بزرگ مانده و بزرگ خواهد ماند.»

■ این‌بار دلیلی برای خویشتن‌داری نداریم

هم‌زمان با واکنش‌های سیاسی و دیپلماتیک به اظهارات روبیو، یک مقام ارشد امنیتی ایران نیز با اشاره به تهدیدهای اخیر امریکا علیه کشور، بر آمادگی کامل ایران برای پاسخ به هرگونه حمله تأکید کرد. به گزارش ایسنا، این مقام ارشد امنیتی در گفت‌وگو با خبرگزاری تاس روسیه، با اشاره به تجربه رفتارهای متناقض و دروغ‌گویی‌های مکرر امریکا و تأثیرپذیری هیئت حاکمه کنونی این کشور از رژیم صهیونیستی، اظهار داشت: «تجربه رفتارهای متناقض و دروغ‌گویی‌های مکرر امریکا از یک‌سو و تأثیرپذیری بی‌سابقه هیئت حاکمه کنونی امریکا از رژیم اشغالگر صهیونیستی، حکم می‌کند که ما بی‌توجه به حرف‌های متناقض ترامپ در زمینه حمله به ایران و خبرهایی که رسانه‌های امریکایی مطرح می‌کنند، همواره آمادگی صددرصدی برای پاسخ گسترده و قاطع به هر حمله‌ای، ولو کوچک، داشته باشیم.» این مقام ارشد امنیتی همچنین تصریح کرد: «ایران، فرض را بر ضرورت آمادگی برای مواجهه طولانی با دشمن قرار داده و راهبردها و تاکتیک‌های دفاعی و تهاجمی خود را بر همین اساس تنظیم کرده است.» او در ادامه با تأکید بر تغییر نکردن رویکرد دفاعی ایران در برابر تهدیدها، هشدار داد: «این‌بار غیر از رونمایی از تجهیزات نظامی جدید و غافلگیرکننده، ایران دلیلی برای هرگونه خویشتن‌داری یا محدود نگاه داشتن دامنه جغرافیایی یا موضوعی میدان نبرد نخواهد داشت.»

توازن همه‌جانبه ایران در برابر دشمن



مصطفی قربانی
کارشناس سیاسی

یک واقعیت مهم در دنیای قدرت و سیاست آن است که چالش بزرگ، سطح کنشگری کشورها را ارتقا می‌دهد. به بیان دیگر، مواجه شدن با تهدیدها و فشارها، هر چند بزرگ، برای کشورهایی که اراده‌ای برای تسلیم در برابر تهدیدها و فشارها ندارند، ظرفیت‌های نهفته آن‌ها را شکوفا می‌کند و سطح کنشگری‌شان را در برابر رقبا و دشمنان ارتقا می‌دهد. مبتنی بر این نکته، از مهم‌ترین دستاوردهای دو جنگ متوالی در برابر امریکا و رژیم صهیونیستی، رسیدن ایران به موقعیت ایجاد توازن همه‌جانبه در برابر دشمنان است. بدین ترتیب که ایران اکنون علاوه بر ایجاد توازن قدرتمندانه در برابر دشمن در میدان دفاعی –امنیتی، حتی در حوزه اقتصادی هم به نوعی در حال رسیدن به نوعی توازن در برابر دشمن امریکایی –صهیونیستی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن است. معنای این سخن آن است که برخلاف گذشته که ایران در برابر فشارهای اقتصادی دشمن قادر به وارد کردن ضربه متقابل نبود، در اثر چالش‌های کنونی و فشارهایی که آن‌ها در میدان اقتصاد به ایران وارد می‌کنند، اکنون ایران قادر به وارد کردن ضربه متقابل در میدان اقتصاد به جبهه دشمنان است. نتیجه این ارتقای سطح کنشگری ایران آن است که ترامپ اخیراً خطاب به مردم امریکا از آن‌ها خواست که تورم را تحمل کنند، زیرا تحمل این فشارها در برابر دستیابی به این هدف که ایران هسته‌ای نشود، یعنی به بمب اتم دست نیابد می‌ارزد. همین موضوع گویای آن است که ایران به‌خوبی توانسته است با اقدامات خود در کنترل تنگه هرمز و جلوگیری از عبور نفت و دیگر حامل‌های انرژی از این تنگه، در برابر فشارهای اقتصادی دشمن برای در تنگنا قرار دادن مردم ایران، موازنه لازم را برقرار کند. شبیه این وضعیت که مردم امریکا در اثر سیاست‌های غلط ترامپ در برابر ایران در حال تحمل کردن آن هستند، در سطح منطقه و برای هم‌پیمانان منطقه‌ای امریکا نیز ایجاد شده است.

رسیدن به این گونه موقعیت در حالی است که در سال‌های گذشته اگر دشمن در میدان اقتصاد به ایران فشاری وارد می‌کرد یا ضربه‌ای می‌زد، به‌طور عمده، ضربه متقابل را دریافت نمی‌کرد. با این حال، با وجود پرشدت بودن جنگ ترکیبی دشمن در برابر کشورمان، در سایه مقاومت ستودنی مردم، نیروهای مسلح و دولت، ایران با اعتماد به‌نفسی کم‌نظیر، حتی در میدان اقتصاد در حال ایجاد توازن در برابر دشمن و تنبیه آن است.

معنای دیگر این وضعیت آن است که ایران در برابر تلاش دشمن برای کشاندن جنگ به حوزه تاب‌آوری، نه‌تنها آمادگی دارد بلکه از توسعه دامنه جنگ استقبال می‌کند و فراتر از این‌ها، توانایی وارد کردن ضربه به دشمن در میدان‌ها و حوزه‌هایی غیر از میدان نظامی را دارد. متأثر از این وضعیت می‌توان راز اعتراف‌های صاحب‌نظرانی چون رابرت پیپ، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو، را بهتر درک کرد که در بحبوحه جنگ رمضان با توجه به بروز و ظهور قدرتمندانه ایران در برابر امریکا، به واقعیت قدرت ایران اعتراف و اعلام کرد که ایران به یک قدرت جهانی تبدیل شده و او را باید جزو چهار ابرقدرت جهان به شمار آورد.

به‌عنوان نکته پایانی باید گفت که چالش و تهدید بزرگی که با حمله امریکا به ایران شکل گرفت، می‌توانست بقای جمهوری اسلامی و ایران را به‌صورت جدی در معرض فروپاشی قرار دهد. با این حال، در سایه مدیریت درست و اتحاد اضلاع مختلف قدرت کشور و همچنین در سایه نصرت الهی و نبوغ ایرانی، این تهدید بزرگ تاکنون منجر به بروز و ظهور ایرانی متفاوت از قبل شده است؛ ایرانی که اساساً دیگر در موقعیت دفاع صرف نیست بلکه به‌حدی از قدرت رسیده است که در تمامی حوزه‌ها و میدان‌ها قادر به ضربه زدن متقابل به دشمن و ایجاد موازنه در برابر آن است.

نقد و نظر



اثر سکوت‌هایی که کمتر از ترور نیست!

شهادت مظلومانه دکتر نصرت افتخاری، معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان، در حمله تروریستی گروهک جیش الظلم، بار دیگر این پرسش جدی را پیش روی افکار عمومی قرار داد که چرا در برابر ترور خادمان مردم و اقدامات گروهک‌های ضدانقلاب، صدای محکومیت برخی خواص و چهره‌های اثرگذار منطقه شنیده نمی‌شود.

شهیده افتخاری نه در میدان نبرد که در مسیر خدمت به مردم و رسیدگی به مشکلات اقوام حاشیه‌نشین هدف قرار گرفت، واقعیتی که ماهیت ضد مردمی این جنایت را آشکارتر می‌کند. پیام تسلیت محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، نیز بر همین نکته تأکید دارد: «دشمنان امنیت ایران حتی خدمتگزارانی را که برای حل مشکلات مردم و تقویت پیوندهای اجتماعی تلاش می‌کنند، برنمی